

۱

بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه (۱۳۸۴-۱۳۹۴)

زهرا محمودخانی^۱ / کارینه کشیشیان^۲

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

z_mahmoudkhani2002@yahoo.com

^۲. استادیار رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب g.keshishyan71@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۰

چکیده

گفتمان سیاست خارجی، به‌عنوان بخش اصلی جهت‌گیری رفتار استراتژیک دولت‌ها، ضمن تبیین معنایی رفتار و کردار کارگزاران، نسبت رابطه این رفتارها را با توجه به سیاست خارجی آن دولت‌ها آشکار می‌سازد. از نظر لاکلاو و موفه، مهم‌ترین بخش مطالعات سیاسی، شناخت گفتمان‌هاست که در آن کارکرد و دگرگونی اندیشه‌ها به‌مثابه یک گفتمان که سازنده معانی و فعالیت‌های سیاسی هستند، معنا می‌یابد. با در نظر گرفتن این مقدمه، ظهور هر یک از گفتمان‌ها، عرصه‌ای برای تأثیرگذاری آنها بر مسائل منطقه‌ای از جمله امنیت بوده است. الگوی رفتاری و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به معنا و مفهوم عدالت (دولت دهم) و اعتدال (دولت یازدهم) مفصل‌بندی شده است و وجه تمایزی به هر دوی آنها می‌دهد. این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که: «تأثیر گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم با توجه به نمودار متمایز الگوهای رفتاری آنها بر امنیت منطقه خاورمیانه چیست؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله این است که «ایجاد رویکردهای تعاملی کشورهای منطقه خاورمیانه با ایران با تأکید بر گفتمان این دولت‌ها در آرمان‌گرا یا واقع‌گرا بودن آنها معنا می‌یابد».

▪ واژگان کلیدی:

گفتمان، گفتمان سیاست خارجی، امنیت، سیاست خارجی، امنیت منطقه‌ای

مقدمه

گفتمان، به‌عنوان یکی از نشانه‌های تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری دولت‌ها، در ارتباط با سیاست خارجی آنها در محیط بین‌الملل معنا می‌یابد.^(۱) از نظر لاکلاو و موفه، «مهم‌ترین بخش مطالعات سیاسی، شناخت گفتمان‌هاست که در آن، کارکرد و دگرگونی اندیشه‌ها به‌مثابه یک گفتمان که سازنده معانی و فعالیت‌های سیاسی هستند، معنا می‌یابد» (لاکلاو، ۱۳۷۷: ۴). می‌توان چنین استنباط کرد که ظهور هریک از گفتمان‌ها، عرصه‌ای برای تأثیرگذاری آن گفتمان بر مسائل منطقه‌ای، از جمله امنیت بوده است.

تفاوت شرایط محیطی و نگرش متفاوت دولت‌ها، نظام‌های سیاسی را وادار می‌کند که گزینه‌های متنوعی را به‌عنوان رفتار سیاسی خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی انتخاب کنند و به برآزش تأثیر آن بر متغیرهای وابسته‌ای مانند امنیت بپردازند. امروزه تحلیل‌های سیاسی، این امکان را فراهم کرده‌اند که با تعیین متغیرهای مستقل، وابسته، و دخیل در گزینش یا تغییر مواضع کشورها، بتوان تفاوت رفتارها را در نظام‌های مختلف توضیح داد. تحلیل براساس «گفتمان»، یکی از انواع این تحلیل‌هاست. گفتمان در حوزه سیاست خارجی، «به نظام و ساختار معنایی حاکم بر سیاست خارجی دولت‌ها گفته می‌شود که سبک خاصی را در کنش و رفتار کارگزاران آن دولت به‌منظور رسیدن به اهداف خود فراهم می‌کند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۸۷). درواقع، گفتمان «نوعی ارتباط یا مفاهمه زبانی است که شکل آن را اهداف اجتماعی‌اش تعیین می‌کند» (مک دانل، ۱۳۸۰: ۶۹).

گفتمان دولت دهم (دولت احمدی‌نژاد) و دولت یازدهم (دولت روحانی) به‌عنوان خرده‌گفتمان‌های اسلامی، با توجه به نزدیکی تاریخی، و عرصه ظهور دو گفتمان آرمان‌گرا و آرمان‌گرایی واقع‌نگر می‌تواند چارچوب تحلیلی مناسبی را از تأثیرگذاری الگوهای رفتاری آن دو بر امنیت منطقه خاورمیانه، پیش روی ما قرار دهد.

با نگاهی به نکته‌های اصلی گفتمان اسلامی که در قالب دو گفتمان آرمان‌گرا (جهان‌گرایی اسلامی، سلطه‌ستیزی، حق‌طلبی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی، و

عزت‌طلبی) و واقع‌گرا (مصلحت‌گرایی، امنیت‌طلبی، اقتدارافزایی، خردگرایی، حزم‌اندیشی، و مشکل‌گشایی) تبلور یافته است، می‌توان چنین برداشت کرد که این گفتمان، درصدد ایجاد توازن و تعادل بین اصول و عناصر اصلی هر دو رهیافت است. شعار دولت یازدهم که در درجه نخست، تأمین و حفظ منافع ملی از طریق اعتمادسازی و تنش‌زدایی با جهان خارج بوده است (روحانی، ۱۳۹۲) دربرگیرنده سه مفهوم اساسی «منافع ملی»، «اعتمادسازی» و «تنش‌زدایی» است. با تعمق در هر سه مفهوم می‌توان دریافت که منافع ملی به‌عنوان یکی از مفروضه‌های واقع‌گرایی، اعتمادسازی به‌معنای «استفاده از مجموعه امکاناتی برای حل سوءتفاهم‌های انباشته‌شده در ذهن دولت‌ها و اعتمادسازی متقابل» (کلود، ۱۳۶۵: ۱۵) و «تنش‌زدایی که مرحله‌ای مقدماتی‌تر برای برقراری مناسبات حسنه است» (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۵۸۱) در نظر و عمل به‌معنی پایان دادن به دوران آشفتگی روابط و ایجاد تفاهم از طریق گفت‌وگو و مصالحه است که زمینه گسترش روابط بین کشورها را براساس اصل همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌کند.

از این منظر، مبنا قرار دادن اعتماد و تعامل مؤثر با کشورهای منطقه و تلاش برای ایجاد اعتماد متقابل با این کشورها، به‌کمک خردگرایی یا عقلانیت سیاسی دولتمردان این دولت تحقق خواهد یافت. اعتدال‌گرایی که در اعتقاد و بیان دولت روحانی به‌عنوان «سیاست خارجی، نه تسلیم است نه ستیز، نه انفعال است و نه تقابل، به‌معنای تعامل مؤثر و سازنده با جهان، معنا شده است» (سخنرانی روحانی، ۱۳۹۲) بر آن است که ضمن تأکید بر آرمان‌های انقلاب، با ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت، در مسیر جهت دادن واقعیت‌ها به‌سمت آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران گام بردارد.

گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور دولت دهم (و دولت نهم) اگرچه در استناد به گزاره‌ها و احکام بنیادین آن با سایر گفتمان‌های اسلام‌گرایی مشترک است، ولی با گزینش گزاره‌های فرعی و انتخابی از این احکام از سایر گفتمان‌ها متمایز می‌شود. اصول‌گرایی به‌منزله شاخص‌ترین وجه این گفتمان، پایبند به تعریف مفاهیم بر پایه ماهیت اسلامی بوده است که با اعتقاد به فراملی بودن انقلاب ایران و تعهد به صدور آن و همچنین انکار نظام مستقر در نظم جهانی، درصدد شالوده‌شکنی و برسازي نظم نوینی با ماهیت اسلامی است.

کنشگری مسئولانه ایران در دوره‌های مختلف، با وجود تنوع گفتمان‌های آن به‌عنوان یک قدرت مؤثر منطقه‌ای، همواره به‌دنبال ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای بوده است. از آنجاکه رسالت اصلی سیاست خارجی دولت‌ها تأمین منافع ملی و مقابله با تهدیدهای امنیت ملی است، ناگزیر باید به سازوکارهای اصلی گفتمان‌ها در تأمین امنیت ملی و منطقه‌ای، قدرت‌سازی و مقابله با تهدیدهای موجود در محیط بین‌الملل، توجه کرد. مقاله حاضر با توجه به مباحثی که مطرح شد، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که «تأثیر گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم با توجه به نمودار متمایز الگوهای رفتاری آنها، بر امنیت منطقه‌ای خاورمیانه چیست؟» در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله این است که «ایجاد رویکردهای تعاملی کشورهای منطقه خاورمیانه با ایران با تأکید بر گفتمان این دولت‌ها در آرمان‌گرا یا واقع‌گرا بودن آنها معنا می‌یابد».

۱. گفتمان و ارتباط آن با سیاست خارجی

ورود گفتمان به عرصه‌های علمی دیگر از جمله علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، و... پویایی خاصی به مباحث اجتماعی آنها بخشیده است و در حال حاضر این مقوله از انحصار یک روش علمی برای تحلیل زبان خارج شده و به‌صورت تحلیل انتقادی گفتمان، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. «در نظریه فرهنگی مدرن، گفتمان، دال بر وجود پیکره یا مجموعه‌ای از گزاره‌ها و یا قضایای منسجم و به‌هم‌پیوسته است که با تعریف و مشخص کردن یک موضوع، شیء یا محمول و با ایجاد مفاهیمی برای تحلیل آن موضوع یا محمول، ارزیابی دقیقی از واقعیت ارائه می‌دهد» (مک دانل، ۱۳۸۰: ۲۲). با توجه به جامعیت گفتمان انتقادی، از این روش در نظریه‌پردازی جدید سیاست خارجی با عنوان «قالب‌های گفتمانی» یاد شده است که تصور می‌شود قدرت تبیین الگوهای متنوعی از رفتار سیاسی و بین‌المللی را دارد. به‌عبارت دیگر، امروزه تحلیل گفتمان، زمینه‌های لازم برای مطالعه رفتارهای نمادین و موضع آشکار کشورها را فراهم کرده است. همچنان که نظریه‌های میشل فوکو در تبیین قالب‌های گفتمانی رفتار سیاسی، بیانگر عرصه کاربردی آن در حوزه سیاست

خارجی نیز بوده است. امروزه تحلیل گفتمان‌ها بر پایه این مفروض بنا شده است که «کنش‌های سیاسی بازیگران، ماهیت غیرزبانی دارند، یعنی اینکه از طریق رفتار، اتخاذ مواضع، تصمیم‌گیری و کنش‌های بین‌المللی بازتاب می‌یابند» (Focault, 1972: 25).

در نگرش گفتمانی، تغییر سیاست خارجی متأثر از ایده‌ها، همراه با تغییر در قالب‌ها و قواعد گفتمان است و به تبع آن نیز شاهد تغییر ابژه در گفتمان خواهیم بود. گفتمان‌ها که تعریف‌کننده ابژه‌ها هستند، مبتنی بر بازنمودها و نمادهایی می‌باشند که خود، معادله قدرت را تغییر داده و بر ماهیت «اعلامی» و «ادراکی» مواضع سیاسی کشورها تأثیر می‌گذارند. به تعبیر دیگر، شکل‌گیری گفتمان‌ها به دنبال ایده‌پردازی، باعث تغییر ابژه و ظهور هویت جدیدی می‌شود که می‌تواند موجب بازسازی معادله قدرت شده و روابط بین بازیگران را تعریف کند. در نتیجه می‌توان گفت، گفتمان‌ها در هویت‌ها و کنش دائمی بازیگران بازتاب می‌یابند و با در نظر گرفتن چنین مفروضی است که می‌توان فرایندها و الگوهای رفتاری سیاست خارجی بازیگران را مورد توجه قرار داد. دیدگاه لاکلاو و موفه در تبیین قالب‌های گفتمانی برخلاف شباهت‌هایی که با نظریه فوکو دارد، از آن محدودتر است، اما وجه مشترک هر دو، اعتقاد به تأثیر بازنمودها و نمادها در معادله قدرت است. با توجه به بحث‌های مطرح‌شده، سیاست خارجی کشورها در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، بازتاب معادله جدیدی از قدرت بوده که توانسته است موجودیت خود را بر دیگران تحمیل کند.

در بین سایر نظریه‌پردازان نیز کی‌جی‌هالستی با وجود اینکه از گفتمان و مبانی کلی آن هیچ بهره‌ای نبرده است، ولی به دلیل نظری پردازیهی خود در حوزه سیاست خارجی دولت‌ها، به مفهوم گفتمان نزدیک شده است. او بر مبنای نگرش خود تلاش کرده است، خروجی‌های سیاست خارجی کشورها را به‌عنوان رویکرد اصلی رفتار و کنش سیاسی آنان در محیط بین‌الملل تحلیل کند. پژوهش‌های هیندس نیز در پیوند قالب‌های گفتمانی با نشانه‌هایی از ساختار حکومتی، بیانگر ارتباط بین سیاست خارجی و قالب‌های گفتمانی بوده است (Hindess, 1996: 70). با توجه به بحث‌های مطرح‌شده می‌توان دریافت که نشانه‌های قدرت‌سازی در سیاست خارجی دولت‌ها که شکلی از الگوی قدرت است، در قالب گفتمان‌ها بیان خواهد شد و این به آن معناست که گفتمان سیاست خارجی دولت‌ها، جهت‌دهنده رفتار استراتژیک آنها در محیط بین‌الملل محسوب می‌شود.

۲. مفاهیم و عناصر گفتمانی دولت دهم

۲-۱. دال مرکزی گفتمان دولت دهم

«عدالت» مرکز ثقل گفتمان اصول‌گرایی است و همه دال‌ها و مفاهیم دیگر در رابطه و نسبت به آن معنا و مدلول می‌یابند. اصول حاکم بر گفتمان‌ها برحسب دال‌ها و تعریفی که از مفاهیم سه‌گانه دولت‌ملت ایران، انقلاب اسلامی، و نظام بین‌الملل دارند، از یکدیگر متمایز می‌شوند. با توجه به این مطلب، عناصر و مفاهیم قوام‌بخش گفتمان اصول‌گرایی به شرح زیر تعریف شده‌اند.

۲-۱-۱. دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران

دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر گفتمانی سیاست خارجی دولت دهم، متأثر از نظام ادراکی و نگرش آن دولت به آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی ایران، تأثیر بسیار مهمی بر سیاست خارجی آن دولت داشته است؛ از این‌رو تحلیل نگرش دولت در مورد این مقوله می‌تواند در درک و فهم سیاست خارجی و نظام گفتمانی آن مفید باشد. در گفتمان اصول‌گرایی، دولت براساس ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلام شیعی تعریف شده است؛ بنابراین به‌عنوان یک واحد سیاسی، دارای هویت اسلامی است که مشروعیت خود را بر مبنای اسلام تعریف می‌کند. در این نگرش، رسالت اصلی دولت‌ها، حفظ اسلام، تعهد و عمل به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است؛ به‌گونه‌ای که موجب تعالی جوامع بشری و ارتقای منزلت آنان به جایگاهی درخور و بر پایه ارزش‌های اسلامی شود.

دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران دربرگیرنده سه عنصر اساسی ماهیت دولت جمهوری اسلامی ایران، هویت ملی، و منافع ملی است. با توجه به تعریف عنصر ماهیت دولت در گفتمان اصول‌گرایی دولت دهم و نیز نهم، در ادامه ویژگی عنصر هویت ملی و منافع ملی بررسی شده است.

۲-۱-۲. هویت و نقش ملی

پایبندی عملی و نظری دولت دهم به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی که بر مبنای ایدئولوژی اسلام شیعی تعریف شده، موجب بازتعریف مفاهیم و عناصر، بر پایه اصول شده است.

در این گفتمان، ملت‌ها به‌عنوان عنصر هویت‌ساز دولت‌ها، در چارچوب مکتب‌گرایی آن دولت و بر پایه اسلامیت تعریف می‌شوند. براساس چنین تعریفی، امت‌محوری بر ملت‌گرایی برتری دارد و روایت ملی‌گرایانه آن که حول محور ایرانیت و ایرانی تعریف می‌شود، جذب مفهوم گسترده آن، یعنی امت اسلامی می‌شود. افزون بر این، اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، یکی دیگر از مبانی تأثیرگذار هویت ملی ایران است که با تأثیرپذیری از آن، هویت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تفکیک‌ناپذیر می‌شود. بر این اساس، سه مؤلفه ایرانیت، اسلامیت، و انقلاب اسلامی، مهم‌ترین عناصر تعریف‌کننده هویت ملی هستند که از ترکیب اصولی آنها با یکدیگر می‌توان چنین هویتی را استخراج کرد؛ انقلابی‌گری و اسلامیتی که در سرزمین مشخصی به‌نام ایران تجلی می‌یابد، اما در مورد اهمیت هر یک در تکوین هویت جمهوری اسلامی می‌توان گفت، مؤلفه‌های اسلامیت و انقلاب اسلامی نسبت به ایرانیت از جایگاه والاتری برخوردار هستند. در دولت دهم، عنصر قوام‌بخش هویت جمهوری اسلامی ایران، عدالت‌خواهی بود که به‌صورت ایجابی و سلبی از سوی آن دولت پیگیری می‌شد. به این صورت که تلاش اصلی دولت در مبارزه با بی‌عدالتی در راستای ایجاد نظام عادلانه و مطلوب اسلامی تعریف شده است.

۳-۱-۲. منافع و اهداف ملی

هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی ایران در گفتمان اصول‌گرایی، منافع و اهداف ملی آن را تعریف می‌کند و بنیان اصلی نظام سیاسی ایران براساس اسلامیت، اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، و ایرانیت به‌عنوان ام‌القرا شکل گرفته است. بر این اساس، اهداف ملی نیز متأثر از آرمان‌های اسلامی و انقلابی ایران تعریف و تعیین می‌شوند. در گفتمان اصول‌گرایی دولت دهم، مصالح اسلامی و آرمان‌های انقلابی دارای اصالت ذاتی و ایرانیت دارای اصالت عرضی است؛ به این معنا که منافع ملت مسلمان ایران در راستای منافع و مصالح اسلامی و انقلابی، تعریف و تعیین می‌شود. بر این اساس، دولت عدالت‌محور، دولتی اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی و تجلی‌یافته در سرزمینی به‌نام ایران است که درصدد شالوده‌شکنی ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل به‌منظور استقرار نظامی عادلانه در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، و... با درنظر داشتن منافع ملی مردم ایران، مصالح اسلامی، و انقلاب اسلامی ایران بوده است.

۴-۱-۲. انقلاب اسلامی

در گفتمان اصول‌گرایی، انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب ملی و محدود به جغرافیای ایران نیست، بلکه به دلیل داشتن ماهیت اسلامی، دارای هویت و کارکردی فراملی است و بنا به اقتضای هویتی خود، صدور اسلام (ارزش‌های اسلامی بر پایه تشیع) و اصول انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین مؤلفه‌های صدور انقلاب دولت دهم بوده است. به‌طور کلی انقلاب اسلامی ایران در سطح ملی و فراملی دو هدف عمده را پیگیری می‌کند که در سطح ملی، عبارت است از حاکمیت اسلام، آزادی، مردم‌سالاری، عدالت، و نفی استبداد و در سطح فراملی، استکبارستیزی، نفی سلطه و سلطه‌پذیری، وحدت جهانی اسلام، حکومت جهانی اسلام، دفاع از مستضعفان، و صلح و عدالت جهانی را دربر می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۲)؛ بنابراین گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور دولت دهم به‌دنبال گسترش عدالت اسلامی و انقلابی ایران در سطح ملی و فراملی بوده است و در سیاست خارجی خود، ناگزیر به مقابله با ساختارهای محکم نظام بین‌الملل که توسط قدرت‌های بزرگ تثبیت شده‌اند، برخاسته و با طرح شعار و عمل به آن در ساحت بین‌الملل درصدد تحقق عدالت اسلامی در همه زمینه‌ها بوده است.

۵-۱-۲. نظم و نظام بین‌الملل

با وجود اینکه دال‌های شناور دولت ملی، انقلاب اسلامی، و قضیه‌های برآمده از این دو، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و دوام گفتمان اصول‌گرایی ایفا می‌کنند، اما آنچه باعث تمایز هرچه بیشتر خرده‌گفتمان‌های اسلامی از خرده‌گفتمان اصول‌گرایی می‌شود، دال میان‌تهی نظم و نظام بین‌الملل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۳). تصور بر این است که نوع نگرش دولت‌ها به ساختار نظام بین‌الملل از یک‌سو، و ترسیم و تعقیب برنامه‌ای برای ایجاد یک نظم نوین و مطلوب اسلامی از سوی دیگر، باعث تمایز گفتمان سیاست خارجی دولت‌های ایران شده است؛ بنابراین تمام گفتمان‌ها در مورد برچیده شدن ساختار نظام بین‌الملل و عدم انطباق آن با نظام اسلامی با یکدیگر اتفاق نظر، و درباره اولویت‌ها و نحوه اجرای برنامه‌ها از لحاظ امکان‌پذیری، با یکدیگر اختلاف دارند. این اختلاف که تا حدودی ریشه در نگرش آرمان‌گرایانه یا واقع‌گرایانه دولت‌ها به نظام بین‌الملل دارد، بیانگر گفتمانی

خاص بوده است که با گزینش دال متعالی خود و به دنبال آن، مفصل‌بندی و معنایابی دال‌های سه‌گانه (دولت‌ملت، انقلاب اسلامی، و نظام بین‌الملل) و دال‌های برآمده از آن، در صدد واسازی یا برسازی نظام کنونی به سوی نظام مطلوب اسلامی است. دولت دهم، عدالت را به عنوان مرکز ثقل گفتمانی خود به این دلیل برمی‌گزیند که منطبق با نگرش دولت به ساختار نظام بین‌الملل، معتقد است این مفهوم از توانایی بالایی در شالوده‌شکنی ساختار نظام بین‌الملل و ایجاد یک نظم نوین و مطلوب اسلامی برخوردار است. دولت دهم، ساختار موجود نظام بین‌الملل را ناعادلانه و نامشروع می‌پندارد و از این رو در تلاش برای از بین بردن بی‌عدالتی و تبعیض، به صورت سلبی به واسازی نظم موجود می‌پردازد و از طریق مشروعیت‌زدایی و غیرطبیعی خواندن نظم مستقر، زمینه را برای برچیدن آن فراهم می‌کند و از سوی دیگر، به صورت ایجابی در صدد ترویج و تثبیت نظم و نظام عادلانه جهانی است.

۲-۲. عناصر گفتمان عدالت‌محور دولت دهم

۲-۲-۱. آرمان‌گرایی

آرمان‌گرایی به معنای داشتن آرمانی برای ایجاد یک نظم مطلوب اسلامی برای انسان و جهان بشری، و ترسیم، تعقیب، تأمین، و تحقق آن در عرصه واقعیت است؛ بنابراین، آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، وابسته به تعریف نظم و وضع مطلوب جمهوری اسلامی در چارچوب اسلام و انقلاب اسلامی تجلی‌یافته در سرزمینی به نام ایران است. تصور بر این است که سیاست تهاجمی دولت دهم بر مبنای رویکرد آرمان‌گرایانه آن به ساختارهای موجود بین‌المللی و منطقه‌ای شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که احمدی‌نژاد در متن سخنرانی خود در دانشگاه کلمبیا در پاسخ به پرسش مجری خبرنگار، مبنی بر ارتباط تهران و واشنگتن به صراحت اعلام کرد: «به مدیریت امروز جهان اعتراض داریم و معتقدیم مدیریت فعلی نمی‌تواند به صلح، دوستی، و عدالت در جهان بینجامد» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶). ترجمان این ادبیات در عرصه نظام بین‌الملل، نوعی «تجدیدنظرطلبی» از سوی دولت عدالت‌محور بوده است. دولت، در نخستین گام برای رسیدن به هدف یادشده، با به رسمیت نشناختن ساختارهای نظام بین‌الملل که از نظر دولت

دهم «نظام سلطه» محسوب می‌شود، وارد میدان شده و به دنبال آن، ضمن انکار مشروعیت نهادها و سازمان‌های برآمده از چنین نظامی، سعی دارد با ارائه طرحی ایجابی «نظم مطلوب» خود را بر پهنه نظام بین‌الملل بگستراند.

بر این اساس، اقدامات دولت نهم در راستای واسازی نظام ناعادلانه بین‌الملل با معرفی و توصیف وضعیت کنونی شروع می‌شود که در آن رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد، با انجام اقدامات دیپلماتیک و استفاده از فرصت‌های بین‌المللی مانند سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل، گردهمایی سران دولت‌ها، و... تلاش ویژه‌ای را برای توصیف نظام ناعادلانه و تک‌قطبی جهانی از خود نشان می‌دهد. همان‌گونه که وی طی سخنرانی خود در شهریور ۱۳۸۵ به‌صراحت به موضوع بی‌عدالتی و نظام تک‌قطبی اشاره می‌کند. همچنین از نظر این دولت، تبعیض در جامعه بین‌المللی زمینه‌ساز بروز ناامنی، جنگ و تروریسم نیز بوده است و عدم برخورداری ملت‌ها از حقوق برابر، توزیع نادرست منابع در قلمرو حاکمیت دولت‌ها، و... ریشه در بی‌عدالتی نظام بین‌المللی و منطقه‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که احمدی‌نژاد در اجلاس بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم در بیان علت گسترش تروریسم می‌گوید: «گسترش تروریسم در جهان، حاکی از شکست اندیشه‌های مادی و نظام‌های سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان و ناشی از گسترش بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی است» (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۰).

بر این اساس، دولت نهم در دومین گام در راستای تحقق شعار عدالت در نظام بین‌الملل، نفی نظام سلطه را با تأکید بر نظام بین‌الملل عاری از سلطه قدرت‌های استکباری دنبال می‌کند و با نفی تجاوزگری‌ها و مناسبات ناعادلانه قدرت، در عمل، در تقابل آشکار با نظام سلطه جهانی قرار می‌گیرد. به باور برخی اندیشمندان، گفتمان سیاست خارجی دولت دهم در تقابل آشکار با نظام سلطه و هژمون‌گری امریکا بوده است که همین مسئله باعث دشمنی هرچه بیشتر کانون‌های متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران و تحریم همه‌جانبه این کشور شد.

۲-۲-۲. سلطه‌ستیزی

سلطه‌ستیزی به‌معنای مبارزه با استکبار جهانی و مقابله با نظام هژمونیک، یکی دیگر از عناصر گفتمانی دولت دهم بوده که دولت عدالت‌محور در سایه آن هویت یافته است. براساس گفتمان دولت دهم، وجود نظام سلطه در ساختارهای نظام بین‌الملل، عامل بسیاری از

آشفته‌گی‌های نظام کنونی است که با زورگویی، زیاده‌خواهی و پایمال کردن حقوق مستضعفان، تحقق عدالت را با مشکلی جدی روبه‌رو کرده است؛ بنابراین، نخستین راهکار گفتمان دولت دهم برای واسازی نظام ناعادلانه بین‌المللی، مبارزه با سلطه جهانی به رهبری امریکا بوده است. اهمیت استکبارستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به اندازه‌ای است که مقام معظم رهبری آن را شاخص سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶). بر این اساس، دولت نهم و نیز دهم یکی از اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی خود را «مبارزه با نظام تک‌قطبی و امپراطوری نظام سلطه»، «مقابله با استعمار فرانو و مبارزه با ترفندهای نظام سلطه جهانی» قرار داده است (رک. برنامه دولت نهم).

۳-۲-۲. صلح‌طلبی

عنصر دیگر گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، صلح‌طلبی عادلانه است که بر مبنای موازین اصول‌گرایانه این گفتمان معنا می‌یابد. در واقع، این امر نشانگر توجه به اصول و ارزش‌های انقلابی در تأمین امنیت و سعادت بشری است. این به آن معنا است که متأثر از آن اصول، گفتمان دولت دهم، گفتمانی صلح‌طلب بر پایه ارزش‌های اسلامی و انقلابی ایران و ناشی از تکلیف و وظیفه جمهوری اسلامی در مورد امنیت و سعادت بشریت است؛ بنابراین، صلح به معنایی فراتر از نبود جنگ تعریف می‌شود، به گونه‌ای که رئیس‌جمهور دولت دهم، در نخستین حضورش در مجمع عمومی سازمان ملل بیان می‌کند «ما معتقدیم نظم پایدار و مولد آرامش و صلح، آنگاه محقق خواهد شد که بر پایه عدالت و معنویت برپا شود. هرچه جامعه بشری از عدالت و معنویت دور شود، به همان نسبت به ناامنی نزدیک خواهد شد» (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱). صلح مطلوب این گفتمان، صلحی است که تنها در سایه معنویت‌گرایی جامعه بشری و تحقق عدالت به معنای کامل آن، در تمام زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، و... امکان‌پذیر خواهد بود. بر اساس اصول گفتمانی دولت دهم، برای استقرار صلح در جامعه بشری، علاوه بر کنترل درگیری‌ها و جنگ‌های فیزیکی، می‌بایست از خشونت دیگری نیز جلوگیری کرد؛ خشونتی که بر پایه روابط اجتماعی کشورها با یکدیگر معنا می‌یابد و آن، خشونت ساختاری است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰). خشونت ساختاری، نوعی رابطه اجتماعی است که

در آن یک طرف، قادر است سلطه و سیطره خود را به‌طور کامل اعمال کند، در حالی که طرف دیگر این رابطه، از هرگونه خودیابی و خودسازی ناتوان و محروم نگاه داشته شده است. محرومیت، قحطی، سرکوب، گرسنگی، نابرابری، نژادپرستی، تبعیض نژادی، امپریالیسم، وابستگی، و توسعه‌نیافتگی، نمونه‌هایی از خشونت ساختاری هستند که در ساختارها و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی نهادینه شده‌اند؛ از این رو، برای دستیابی به صلح و امنیت، باید مناسبات قدرت و زور و ساختارهای سلطه و خشونت ساختاری را از بین برد.

۲-۲-۴. مهرورزی

دولت نهم و دهم «مهرورزی، دوستی و برادری» را اصل دوم سیاست خارجی خود می‌داند. رئیس این دولت، درباره اصل مهرورزی در افتتاحیه گردهمایی رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور این‌گونه سخن گفته است: «این اصل نیز منبعت از عدالت است، چراکه بدون عشق انسان‌ها به یکدیگر، محال است که جامعه بشری روی آرامش ببیند و دستگاه سیاست خارجی باید حرکت خود را بر مبنای عشق و دوستی با انسان‌ها تنظیم کند» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۷). همچنین وی طی سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل در مهر ۱۳۹۱ با بیان اینکه: «سازمان (سازمان ملل) باید دولت‌ها را به گسترش معنویت و عشق به انسانیت رهنمون سازد؛ در این حالت، تحقق اتحاد ملل را پایه‌ریزی کرده است» (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱) بر این اصل در سیاست خارجی خود تأکید کرد؛ بنابراین این دولت در راستای سیاست خارجی خود تلاش کرد با اتخاذ موضعی مهرورزانه در سیاست خارجی، عمق نفوذ خود را افزایش دهد و این اصل، یکی از اصول اخلاق‌گرایانه سیاست خارجی دولت دهم محسوب می‌شود که در سایه توجه به حفظ کرامت انسانی معنا می‌یابد.

۳. مفاهیم و عناصر گفتمانی دولت یازدهم

۳-۱. دال مرکزی گفتمان دولت یازدهم

اعتدال که در سیاست خارجی به صورت سلبی تعریف می‌شود، عبارت از نفی و پرهیز از گفتمان‌های افراطی و تفریطی است. به عبارت دیگر، اعتدال به معنای انکار گفتمان‌های سازش یا ستیزش، گفتمان آرمان‌گرای توهمی، و گفتمان واقع‌گرایی منفعل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵). در تعریف ایجابی از آن می‌توان گفت، گفتمان اعتدال، جریان اجتماعی-سیاسی اصول‌گرایانه و اصلاح‌طلبانه با راهبرد مشخص توسعه است که به دنبال توازن و تعادل در عناصر گفتمانی خود بوده است؛ به گونه‌ای که «در نظام اسلامی، جامعه هم عادلانه اداره می‌شود، هم توسعه یافته است، هم جامعه معنوی است و هم به دنبال ایجاد یک جامعه پیشرفته است» (Zarif, 2014). در این گفتمان، مفهومی که عناصر و مفاهیم پیرامون آن مفصل‌بندی و معنا می‌یابند، مفهوم «تعادل و توازن» است.

۳-۲. مفصل‌بندی دولت و ملت، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل

اصول حاکم بر گفتمان‌ها بر حسب دال‌ها و تعریفی که از مفاهیم سه‌گانه دولت-ملت ایران، انقلاب اسلامی، و نظام بین‌الملل دارند، از یکدیگر متمایز می‌شوند. با توجه به این امر، ماهیت و هویت دولت اعتدال‌گرا بر مبنای چگونگی مفصل‌بندی دال‌ها و مفاهیم سه‌گانه دولت-ملت جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی ایران، و نظام بین‌الملل تعریف و تبیین می‌شود.

۳-۲-۱. ماهیت دولت

گفتمان اعتدال‌گرای دولت یازدهم به عنوان یکی از خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرای جمهوری اسلامی ایران، به پیروی از همان اصول کلی اسلامی که بر مبنای اسلامی بودن آن تعریف می‌شود، هویت خواهد یافت. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران یک نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری اسلامی (دینی) است. بر این اساس، هویتی که دولت از چنین نظامی می‌گیرد، براساس مردم‌سالاری اسلامی تعریف می‌شود. براساس دیدگاه رئیس دولت یازدهم: «جامعه اسلامی، جامعه تک‌گویی نیست، بلکه جامعه‌ای مشورتی، ارتباطی، گفت‌وگویی و انتقادی است» (روحانی، ۱۲ تیر، ۱۳۹۲) و از اصول و ارزش‌های اخلاقی و

دینی جامعه فراتر نمی‌رود کما اینکه وی معتقد است: «این دولت به عهد خود در شکوفا کردن اخلاق اسلامی و تلاش برای تبیین و تحقق احکام نورانی اسلام وفادار خواهد بود» (روحانی، ۱۳ مرداد ۱۳۹۲). بر این اساس، دولت یازدهم، دولتی است که با اعتقاد به مردم‌سالاری «خود را قیم مردم نمی‌داند» و متعهد به برقراری آزادی در چارچوب شریعت دینی است؛ به گونه‌ای که دکتر روحانی می‌گوید: «کلید اصلی حل همه مشکلات، جلب اعتماد مردم و تکیه بر همبستگی آنان است؛ البته در این مسیر ما باید توان تحمل نظرات صاحب‌نظران را داشته باشیم و باید بدانیم که دولت به‌تنهایی قادر به حل مشکلات نیست و این مردم هستند که باید برای حل مشکلات در صحنه حضور داشته باشند. دولت، تسهیل‌کننده و سامان‌دهنده امور است و مردم و بخش‌های غیردولتی در یک منظومه‌ای سازمان‌یافته برای حل مشکلات جامعه باید تلاش کنند و در این میان، نقش روحانیت و علما بسیار تعیین‌کننده است» (روحانی، ۱۲ تیر ۱۳۹۲).

۲-۲-۳. هویت و نقش ملی

اگرچه هویت دولت و ملت بر پایه هویت اسلامی تعریف شده است، ولی برخلاف گفتمان دولت دهم، در گفتمان اعتدال، ایرانیت نیز در شکل‌گیری چنین هویتی دخیل بوده و نقش آن پررنگ‌تر می‌شود. در سطح هویت ملت بر پایه اسلامیت و ایرانیت، گفتمان اعتدال گرایش به توازن دارد و ملت ایران را ملتی ایرانی-اسلامی می‌داند. «ایران دارای یک هویت فرهنگی بی‌نظیر است که برآمده از ترکیب پویای فرهنگ ایرانی و اسلامی آن است و می‌تواند از آن برای پیشبرد رسالت و پیام خود در سرتاسر دنیای اسلامی بهره‌برداری کند» (ظریف، ۱۳۹۳). در سطح هویت دولت نیز سه عنصر انقلابی، اسلامی، و ایرانی مطرح بوده است که این دولت منطبق با مشی خود، در بین این سه عنصر توازن را رعایت می‌کند.

۳-۲-۳. منافع و اهداف ملی

ماهیت سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایجاب می‌کند که گفتمان دولتمردان در سیاست خارجی، علاوه بر پیگیری منافع و اهداف ملی، مصالح اسلامی را به‌طور هم‌زمان دنبال کند. دولت یازدهم در چارچوب همین نگرش، از یک‌سو بین منافع ملی و اهداف ملی توازن برقرار می‌کند و از سوی دیگر، بین منافع ملی و مصالح اسلامی جانب اعتدال را

می‌گیرد. تصور بر این است که از نظر تئوریک بین منافع ملی، اهداف ملی، و مصالح اسلامی ذاتاً هیچ تضادی وجود ندارد، اما در عمل، وقوع چنین رویدادی دور از ذهن نیست و ممکن است بین مصالح اسلامی و منافع ملی تضادی به‌وجود آید که دولتمردان را مجبور به ارج نهادن یکی بر دیگری کند. رفع تزاحم و تقابل بین این دو، امری معطوف به رویکرد دولت است که در رویکرد دولت یازدهم مبتنی بر تعادل و توازن آن در سیاست خارجی کشور است. رویکرد و اقدامات این دولت بیانگر توجه به منافع ملی در راستای اهداف ملی و مصالح اسلامی است. در این گفتمان، پیگیری منافع ملی و اهداف ملی در راستای نگرش واقع‌گرایانه و مصلحت‌گرایانه دولت معنا یافته است، به‌گونه‌ای که دولت با در نظر گرفتن مقدرات ملی و شرایط و اقتضائات بین‌المللی، اهداف و منافع ملی را پیگیری می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۳).

۴-۲-۳. انقلاب اسلامی ایران

صدور انقلاب، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کارآمدی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه اعتدال‌گرایان نیز به‌دور نمانده است. دولت اعتدال‌گرا معتقد است، آرمان‌های اصلی انقلاب از جمله استکبارستیزی، عدالت‌طلبی، و... باید در عرصه بین‌المللی پیگیری شوند؛ بنابراین، دولت ضمن تعقیب و تأمین منافع و اهداف ملی، برای تحقق آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی نیز تحرکات لازم را خواهد داشت، ولی در این میان، تحقق اهداف فراملی با توجه به مصلحت، مقدرات و ملحوظات ملی اولویت‌بندی و پیگیری خواهد شد. بر این اساس، دولت با در نظر گرفتن شرایط کامل و به دور از هر نوع سیاست تهاجمی، مطابق با اقتضائات و هنجارهای بین‌المللی به‌صورتی تدریجی، نرم، چندجانبه‌گرایانه و با الگوسازی مناسب از وجاهت جمهوری اسلامی ایران، این اهداف را پیگیری خواهد کرد. همچنین دولت اعتدال ضمن توجه به همه آرمان‌های انقلاب اسلامی در صدور آنان نیز توازن را رعایت خواهد کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۳-۳۴).

۵-۲-۳. نظم و نظام بین‌الملل

گفتمان اعتدال نیز همانند گفتمان عدالت‌محور، اصالتی مناسب و عادلانه برای ساختار نظام بین‌الملل قائل نیست، اما در صحنه عمل، به‌منظور تحول چنین نظامی، برخلاف

گفتمان دولت دهم، قائل به تحول تدریجی نظام بین‌الملل از طریق همین چارچوب و قواعد مرسوم بین‌المللی است. در این گفتمان، دولت از هرگونه تهاجمی به ساختارهای فعلی نظام بین‌الملل از جمله سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی یا قواعد مرسوم، خودداری می‌کند، ولی به منظور اصلاح زیرساخت‌های چنین نظامی با اتخاذ رویکردی اندیشمندانه و براساس مصلحت و واقعیت، تلاش می‌کند از طریق همراه کردن دیگران و با استفاده از ابزارهای قانونی همانند توسعه همه‌جانبه روابط با بازیگران بزرگ، چندجانبه‌گرایی و مقابله نرم با هژمونی‌گری، به اصلاح نظام کنونی مبادرت ورزد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۳).

۴. مقایسه گفتمان دولت دهم و یازدهم

دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان اصلی‌ترین عناصر گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متأثر از نگرش دولت‌های دهم و یازدهم به آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی ایران، نقش مهمی در گفتمان سیاست خارجی این دو دولت ایفا کرده‌اند. گفتمان دولت دهم و یازدهم، با وجود تأکید مشترکی که بر ایدئولوژی اسلام شیعی و اصول انقلاب اسلامی در نظام گفتمانی خود دارند و به تبع آن، تعیین رسالتی که برای گفتمان خود تعریف کرده‌اند، در عناصر آرمان‌گرایانه آن دارای وحدت نظر و در عناصر واقع‌گرایانه از یکدیگر متمایز شده‌اند. این به آن معنا است که اگرچه دو دولت در کلیت اهداف فراملی خود که همانا تحقق بخشی به نظام سیاسی مبتنی بر نظام ارزش‌های اسلامی است، با یکدیگر هم‌نظر هستند، ولی از لحاظ بازتعریف عناصر براساس چگونگی پیشبرد و تحقق آن، با یکدیگر تفاوت بسیاری دارند.

به‌طور کلی در نظام گفتمانی دولت یازدهم، عنصر آرمان‌گرایی همراه با عنصر واقع‌بینی به‌صورت متوازن مطرح بوده است که از رهگذر ترویج نظام مطلوب خود، افزون‌بر پذیرش رسالت آرمان‌گرایانه و شالوده‌شکن خود، به مقتضیات و چارچوب‌های فعلی نظام بین‌الملل و حرکت در مسیر آن، توجه داشته است. این درحالی است که گفتمان دولت دهم، با وجود عناصر واقع‌گرایی (که در سیاست خارجی گریزناپذیر به‌نظر می‌رسد)، در رویارویی با نظام بین‌المللی و منطقه‌ای، رویکرد آرمان‌گرایانه و تهاجمی‌تری نسبت به دولت یازدهم داشته

است؛ از این رو، طبیعی خواهد بود که گفتمان دولت یازدهم با تعریف متوازن منافع و مصالح اسلامی و همچنین با بازتعریف متوازن هویت برآمده از مؤلفه‌های اصلی هویت جمهوری اسلامی، یعنی ایرانیت، اسلامیت و انقلابی‌گری، ضمن توجه کامل به منافع ملی به مصلحت امت نیز بی توجه نبوده است. به عبارت دیگر، دولت یازدهم در این مورد متأثر از دال متعالی خود، گرایش به اعتدال داشته است و با وجود اینکه همانند گفتمان دولت دهم، گفتمانی اسلامی بوده و عناصر آن بر پایه ارزش‌ها و اصول انقلابی ایران شکل گرفته است، تدبیر خردگرایانه و متوازن خود را که مبتنی بر نتیجه‌گرایی است، به منظور شالوده‌شکنی ساختار نظام بین‌الملل به کار بسته است، که این خود، مانع هجوم همه‌جانبه دولت به ساختارهای نظام بین‌الملل و تقابل گسترده با سایر بازیگران منطقه شده است.

صدور انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های کارآمدی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گفتمان دولت‌های دهم و یازدهم مورد توجه بوده است، ولی این عنصر بنیادین در دولت دهم، بیش از دولت یازدهم مورد توجه قرار گرفت، زیرا این دولت در گفتمان خود برای پیگیری اهداف فراملی به طور خاص درصدد بارز کردن عناصر گفتمانی اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (گفتمان اسلام‌گرایانه)، یعنی استکبارستیزی، حمایت از مستضعفان، عدالت‌طلبی، و... بوده است و از این راه با تشویق ملت‌ها و دولت‌ها به مقابله با نظام امپریالیسم جهانی و با معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگوی مطلوب، به پیروی از رسالت آرمان‌گرایانه و تکلیف‌گرایانه خود، درصدد مقابله با ساختارهای ناعادلانه نظام بین‌الملل بوده است.

دولت یازدهم نیز در گفتمان خود در راستای پیگیری اهداف فراملی با در نظر گرفتن مصالح، توانمندی‌ها و ملحوظات ملی تا حد امکان تلاش کرد ضمن مقابله با ساختارهای موجود، در تقابل با نظام بین‌الملل و کشورهای بزرگ قرار نگیرد که این رویکرد نیز باعث انعطاف‌پذیری این گفتمان نسبت به گفتمان دولت دهم شده است. به عبارت دیگر، رویکرد متوازن دولت در مورد سه اصل عزت، مصلحت، و حکمت مانع تهاجم همه‌جانبه آن به ساختارهای موجود نظام بین‌الملل شده است، زیرا از نظر این دولت، توجه نامتوازن به سه اصل یادشده موجب تنزل جایگاه منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. این

در حالی است که دولت دهم، رویکرد عزت‌مندانه دولت را در شرایط کنونی موجب ارتقای جایگاه منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی می‌داند.

از دیگر عناصر گفتمانی دولت دهم، صلح‌طلبی و توجه به معنویت و ارزش‌های انسانی بوده است که در واقع، این امر نشانگر توجه به اصول و ارزش‌های انقلابی در تأمین امنیت و سعادت بشری است؛ بنابراین، در گفتمان دولت دهم، صلح، معنایی فراتر از نبود جنگ دارد، که در آن، نظم پایدار زمانی محقق خواهد شد که بر پایه عدالت و معنویت برپا شود. گفتمان دولت دهم، در توجه به مؤلفه‌های ایجادکننده امنیت ضمن رد بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های ناروا، جامعه جهانی را به معنویت و اخلاق‌گرایی دعوت می‌کند؛ از این‌رو صلح مطلوب این گفتمان، صلحی است که تنها در سایه معنویت‌گرایی جامعه بشری و تحقق عدالت به معنای کامل آن در تمام زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، و... امکان‌پذیر خواهد بود. این در حالی است که صلح‌طلبی در گفتمان دولت یازدهم، به معنای همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی و اعتمادسازی متقابل است.

دولت دهم در بحث منزلت‌طلبی، اصل را بر عزتمندی آرمان‌گرایانه می‌نهد و آن را لازمه تحقق نظم مطلوب جهانی براساس ارزش‌های اسلامی و انقلابی می‌داند. به عبارت دیگر، عزتمندی دولت دهم، ضمن تأمین و پیگیری استقلال همه‌جانبه کشور و بیشینه‌سازی منافع آن، در شالوده‌شکنی ساختار ناعادلانه و اشاعه اصول و ارزش‌های انقلابی و اسلامی معنا یافته است. بر این اساس، هر اندازه که دولت بتواند ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل را شالوده‌شکنی کند و در دفع نظام استکبار جهانی و استبداد و همچنین اشاعه اصول و ارزش‌های انقلابی موفق‌تر عمل نماید، به همان اندازه عزتمند بوده و منزلت جمهوری اسلامی را در منطقه و جهان افزایش خواهد داد. این در حالی است که در گفتمان دولت یازدهم، عزت ملی بر پایه واقع‌نگری پیگیری شده و تحقق می‌یابد. بر این اساس، ارتقای عزت ملی در گفتمان دولت یازدهم، افزون‌بر پیگیری و تأمین استقلال همه‌جانبه کشور و بیشینه‌سازی منافع آن، از طریق تعامل با نظام منطقه‌ای و جهانی، سعی در اشاعه نظام اسلامی، و اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، امکان‌پذیر خواهد بود.

۵. تأثیر گفتمان‌ها بر امنیت منطقه‌ای

به‌طور کلی هدف گفتمان‌های سیاست خارجی در درجه نخست، تأمین امنیت ملی در همه ابعاد آن بوده است. به‌عبارت دیگر، تلاش دولت‌ها و گفتمان‌های آنها بر این است که با تأمین حداکثری امنیت منطقه‌ای، به امنیت ملی کشور خود کمک کنند.

گفتمان‌ها به‌طور کلی، با استخراج و تعریف عناصر و دال متعالی خود، مدعی کاربرد مؤثرترین راهکار موجود در تأمین امنیت ملی، منافع ملی، و به‌طور کلی، بازتولید قدرت و امنیت منطقه‌ای هستند و از این راه با الهام‌گیری از نظام گفتمانی خود (که مدعی داشتن بهترین راهکار موجود هستند) در پیوندی مستحکم با ساختار حکومت، با بسیج و سازماندهی نیروها در راستای تأمین منافع و امنیت ملی گام برمی‌دارند.

بدیهی است گفتمانی که در یک مجموعه امنیتی بیشترین قدرت سازماندهی را داشته و از قدرت اقناعی بالاتری نسبت به سایر گفتمان‌ها برخوردار باشد، به همان اندازه نیز به‌سوی هژمونی پیش خواهد رفت. به تعبیر دیگر، دولتی که با استفاده از نظام گفتمانی خود بتواند از امکانات موجود، همچون ظرفیت دیپلماسی، قدرت، و... بیشترین بهره را ببرد، ضمن تأمین منفعت و امنیت ملی، امنیت دیگران را در راستای تأمین منافع خود تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ از این‌رو می‌توان گفتمان‌ها را راهکارهای اساسی دولت‌ها در تأمین امنیت ملی و منطقه‌ای دانست که در ارتباط با نگرش آنان، امنیت، مدلول‌های متفاوتی می‌یابد. برای مثال، گفتمانی که در یک مجموعه امنیتی براساس هویت ملی خود ضمن توجه به منافع و امنیت ملی، بر مصالح و امنیت اسلامی نیز تأکید دارد، در برخورد با مقوله امنیت، ضمن حرکت در راستای تأمین منافع و امنیت ملی خود به مسائل امنیتی دیگر کشورهای اسلامی براساس تأثیرات متقابلی که خواهد داشت، توجه کاملی دارد.

از سوی دیگر، امنیت منطقه‌ای به‌مثابه امری بین‌گفتمانی در محیط جغرافیایی مشخصی به‌نام خاورمیانه در ارتباط با نظام گفتمانی دولت‌ها معنا می‌یابد. در این محیط، گفتمان‌ها از طریق رقابت و غیریت‌سازی، تلاش زیادی برای به حاشیه راندن سایر گفتمان‌ها و هژمونی نظام امنیتی مطلوب خود دارند، و از طریق بازآرایی عناصر نظام گفتمانی خود، تعریف مشخصی از امنیت به‌دست داده و سعی در قانع کردن دیگران برای

پیروی از چنین الگوهایی دارند؛ از این رو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دولتی که از نظام گفتمانی قوی‌تر و مستحکم‌تری برخوردار باشد و بتواند از امکانات موجود در نظام داخلی خود بیشترین بهره را ببرد، به همان اندازه نیز در تعریف و تحمیل الگوهای امنیتی مطلوب خود موفق‌تر خواهد بود؛ برای مثال، گفتمان عدالت‌محور، چنانچه بتواند با بکارگیری امکاناتی همچون قدرت ملی، دیپلماسی عمومی، و... و همچنین با بازآرایی عناصر گفتمانی خود همچون سلطه‌ستیزی، مهرورزی، و... در راستای قانع‌سازی دیگر بازیگران منطقه‌ای گام بردارد و آنان را با خود همراه سازد، در تحقق مفهوم عدالت نیز موفق خواهد بود.

نکته دیگر در مورد امنیت و گفتمان، ارتباط آن با مقوله هویت است. هویت به این دلیل که به‌عنوان شکل‌بندی جدید رقابت و همکاری در محیط‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود، اهمیت می‌یابد.

هویت یکی از عناصر بنیادین نظام گفتمانی دولت‌هاست که با پیوند خود با هویت‌های منطقه‌ای و جهانی، به ایفای نقش می‌پردازد. بر این اساس می‌توان گفت، گفتمان‌ها با تعریف هویت ملی در قالب نظامی هماهنگ با دیگر هویت‌ها، در برخورد با مقوله امنیت به شیوه‌های مختلفی عمل می‌کنند.

به‌عبارت دیگر، می‌توان چنین بیان کرد که گفتمان‌ها از یک‌سو با چارچوب معین و مشخص خود به‌عنوان هویتی یگانه، ابزارها و راهکارهای لازم را برای تأمین امنیت و منافع ملی پیشنهاد می‌کنند و از سوی دیگر، در پیوند با نظام هویتی همسو، در ارتباط با امنیت به ایفای نقش می‌پردازند. بر همین اساس، امنیت تحت تأثیر هویت، تعریف متفاوتی به خود گرفته است؛ از این رو، منشأ تهدید و راهکارهای موجود برای دفع آن، در هر گفتمانی براساس هویت آن گفتمان و هویت‌های همسو در منطقه، متفاوت از دیگری تعریف می‌شود. این تنوع نیز حاصل تعریف منافع و امنیت براساس هویت با دال متعالی مشخص است.

گفتمان به‌مثابه مهم‌ترین منبع هویت‌ساز، در هدایت سیاست خارجی ایران نقش داشته است؛ بنابراین براساس این گفتمان‌هاست که جمهوری اسلامی ایران، هویت، منافع و دوست و دشمن خود را در عرصه بین‌الملل تعریف می‌کند. در واقع، سیاست خارجی ایران تحت تأثیر گفتمان‌های داخلی و متأثر از تصمیم‌ها و گرایش‌های ذهنی تصمیم‌گیرندگان و گفتمان‌های حاکم بر دولت‌ها شکل گرفته است.

هویت‌گرایی عامل اصلی شکل‌گیری بحران‌های منطقه‌ای در سال‌های پس از جنگ بوده است؛ از این‌رو تغییر در امنیت منطقه تابعی از دگرگونی در قالب‌های گفتمانی بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌شود و آثار خود را در بسیاری از درگیری‌های منطقه‌ای به‌جا گذاشته است. ایران نیز به‌عنوان یکی از قدرت‌های مؤثر منطقه‌ای، با تغییر در قالب‌های گفتمانی خود براساس تعریفی که از مؤلفه‌های هویت ارائه کرده است، به شیوه‌های مختلفی بر امنیت منطقه تأثیر گذاشته است، به‌گونه‌ای که امروزه بیش از گذشته هویت‌گرایی ماهیت منازعه‌آمیزی در محیط امنیتی خاورمیانه پیدا کرده است. جدال‌های امنیتی خاورمیانه را باید بازتاب ایجاد پادگفتمان هویتی برای کاهش قدرت منطقه‌ای ایران دانست که در برابر گفتمان هویتی ایران شکل گرفته است. بر این اساس، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تنازع هویتی واحدهای برآمده از نظام گفتمانی دولت دهم و یازدهم تأثیر متفاوتی بر امنیت منطقه داشته است. دولت دهم از لحاظ هویت اسلامی و شیعی بیش از دولت یازدهم مورد توجه و معرفی کشورهای منطقه بوده است، زیرا گفتمان دولت دهم خود را دارای «ماهیت، عملکرد، و مسئولیت اسلامی» می‌داند و معتقد است، تغییر مناسبات جهانی به نفع ارزش‌های اسلامی و عدالت است که بنیان چنین نظام ناعادلانه‌ای را از بین می‌برد و در رسیدن به شرایط امنیتی مطمئن، مؤثر واقع می‌شود. از سوی دیگر، گفتمان سیاست خارجی دولت دهم با تأکید بر ایدئولوژی به‌دلیل رویکرد آرمان‌گرایانه و شالوده‌شکن خود و بازتعریف هویت جمهوری اسلامی ایران براساس انگاره‌های انقلابی و اسلامی شیعی که سعی در الگوسازی از جمهوری اسلامی و معرفی این الگو به جهانیان دارد، به‌سوی رادیکالیزه شدن پیش رفته است. در چنین شرایطی، گفتمان سیاست خارجی دولت دهم بیش از آنکه مبتنی بر نتیجه‌گرایی تکلیف‌محور باشد (که مبتنی بر واقع‌گرایی است) به‌سوی تکلیف‌گرایی صرف سوق داده شده است.

بر این اساس، گفتمان دولت دهم با پررنگ کردن تنازع هویتی شیعه و سنی به‌سبب استفاده از نظام گفتمانی ایدئولوژیک‌محور، منجر به پویایی و تشدید پادگفتمان مخالف شده و از این طریق، ضمن تأثیرگذاری و تشدید الگوهای دشمنی، روند تعاملی و همگرایی منطقه‌ای را به‌ویژه با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، کند کرده است. مصادیق عملی

چنین گفتمانی در دولت اصول‌گرای دهم را می‌توان در سطح منطقه‌ای، ایجاد توازن قدرت (موازنه قوا) با ایالات متحده از طریق حمایت از حزب‌الله در لبنان، ادامه اتحاد استراتژیک با سوریه، حمایت از مخالفان امریکا در افغانستان و عراق و اتخاذ سیاست ضداسرائیلی دانست. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده چنین برداشت می‌شود که گفتمان عدالت‌محور دولت دهم تلاش کرده است با بارز کردن نظام گفتمانی و دال متعالی آن، هژمونی فکری خود را از طریق سیاست ارشادی بر منطقه خاورمیانه اعمال کند و در این راه بیش از هر امری قائل به رسالت خویش برای بازیابی و دفاع از حقوق و مصالح عالی‌ه امت اسلامی بوده و توجه چندانی به محدودرات منطقه‌ای ندارد.

این درحالی است که گفتمان اعتدالی دولت یازدهم با تعریف متوازن از هویت ملی و سایر عناصر مهم گفتمان خود همچون انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل، و... در رویکردی تعاملی، نگاه مثبتی به بازیگران مؤثر در امنیت منطقه‌ای خود داشته است و از این راه، با تعدیل سیاست تهاجمی جمهوری اسلامی ایران، سعی در نشان دادن گفتمانی متفاوت با گفتمان دولت دهم داشته است.

بر مبنای تأثیر گفتمان‌ها بر امنیت منطقه‌ای، اگر تلاش برای همگرایی منطقه‌ای و کاهش اختلاف‌ها را مبنای رویکرد تعاملی دیگر بازیگران با جمهوری اسلامی ایران قرار دهیم، گفتمان دولت دهم، در عمل، در چارچوب سیاست خارجی مبتنی بر هویت و رویکرد آرمان‌گرایانه خود، موجب شکاف بیشتر هویت‌های منطقه‌ای که بسترساز اصلی امنیت منطقه‌ای هستند، شده است. این درحالی است که گفتمان دولت یازدهم با بازتعریف متوازن این هویت، صرف‌نظر از میزان موفقیتش، سعی در کاهش شکاف‌های موجود داشته است. به عبارت دیگر، راهبرد کلان گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم، تعامل سازنده و تأثیرگذار در روابط خارجی بر پایه رویکرد متوازن به سه عنصر عزت، حکمت، و مصلحت به‌منظور کاهش این اختلاف‌ها و حرکت به‌سوی همگرایی منطقه‌ای بوده است.

برای روشن‌تر شدن بحث، تمام موارد یادشده، در جدول‌های زیر به‌صورت مقایسه‌ای

تبیین شده است.

جدول شماره (۱). ویژگی‌های گفتمان سیاست خارجی دولت نهم و دهم

دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد	مؤلفه‌های گفتمانی
<p>- دولت ملی در چارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی- شیعی تعریف می‌شود.</p> <p>- دولت نه تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد، بلکه از سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است.</p> <p>- این گفتمان از منظر سیاست اخلاقی به دولت و حکومت می‌نگرد که تأسیس یک جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی شریعت اسلام در مرکز ثقل آن قرار دارد. مهم‌ترین کارکرد دولت دهم در سیاست خارجی، اشاعه ارزش‌های اسلامی و بنیان نظامی مبتنی بر باورهای دینی است.</p>	دولت- ملت
<p>- انقلاب اسلامی و آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های آن یکی از مقدمه‌های بنیادین و عناصر اساسی تعیین و تعریف‌کننده هویت ملی ایران است.</p> <p>- هویت جمهوری اسلامی ایران حاصل برابند عنصر «اسلامیت» «انقلاب اسلامی» و «ایرانیت» است و دو عنصر نخست، نسبت به «ایرانیت»، اهمیت و اولویت بیشتری در تکوین هویت جمهوری اسلامی ایران دارند.</p>	هویت دولت جمهوری اسلامی
<p>- ماهیت و هویت اسلامی-انقلابی جمهوری اسلامی ایران، معنا و مدلول منافع و اهداف ملی آن را نیز تعیین و تعریف می‌کند.</p> <p>- منافع و اهداف ملی برحسب ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول اسلامی و انقلاب اسلامی معرفی می‌شوند.</p>	منافع و اهداف ملی
<p>- انقلاب اسلامی، یک انقلاب ملی و محدود نیست، بلکه ماهیت و هویت فراملی و فرامرزی دارد.</p> <p>- انقلاب ایران بر مبنای ایدئولوژی اسلام شیعی استوار است که یک دین و جهان‌بینی جهانشمول و فراملی است.</p> <p>- در عرصه بین‌الملل، انگیزه نخست انقلاب اسلامی ایران، گسترش ارزش‌های مربوط به حاکمیت دین اسلام در راستای استقرار یک جامعه جهانی اسلامی است.</p>	انقلاب اسلامی
<p>- از نظر گفتمان حاکم بر این دوره، نظام بین‌الملل موجود با نظم بین‌المللی اسلامی انطباق ندارد و آن را نظام ناعادلانه و نامشروعی می‌داند که از مطلوبیت لازم برخوردار نیست. نظم و نظام بین‌الملل باید به نظام جهانی اسلامی تبدیل شود.</p> <p>- یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی دولت نهم و دهم، از بین بردن بی‌عدالتی به صورت سلبی و ترویج و تثبیت نظم و نظام عادلانه به صورت ایجابی است (تحقق شعار عدالت و نفی نظام سلطه).</p> <p>- از اهداف مهم دیگر دولت نهم و دهم در عرصه سیاست خارجی، انتقاد از سازمان‌های بین‌المللی با هدف تغییر و دگرگونی آن برای استقرار نظم و نظام عادلانه و مطلوب اسلامی است.</p> <p>- سیاست نگاه به شرق (ارتباط با روسیه، چین) و ائتلاف‌سازی علیه قدرت‌های سلطه‌گر از جمله آمریکا محور دیگر سیاست خارجی این دولت است.</p>	نظام بین‌الملل

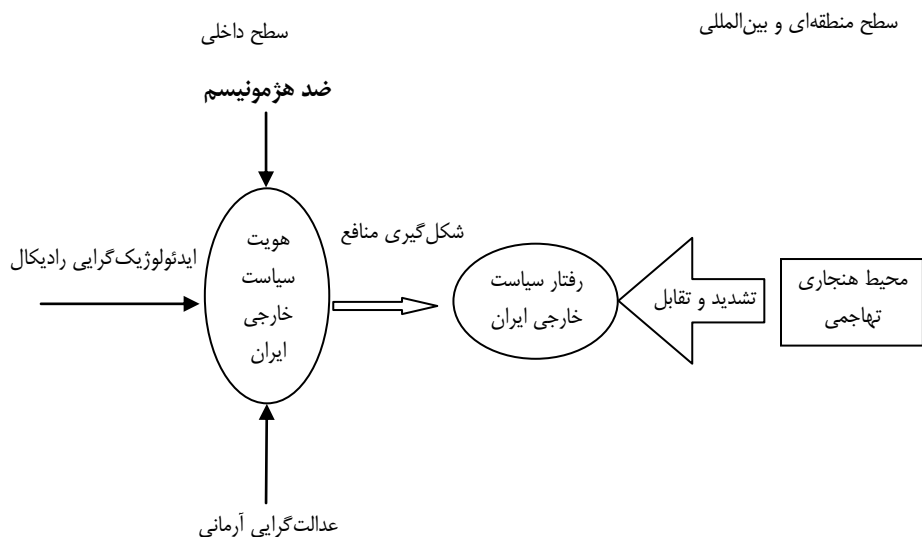
جدول شماره (۲). ویژگی‌های گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم

دوره ریاست جمهوری آقای روحانی	مؤلفه‌های گفتمانی
<p>- ماهیت دولت، نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است. - ملی‌گرایی تفسیری مردم‌سالارانه و آزادمنشانه از قانون اساسی ارائه می‌دهد (خواستار آزادی و دموکراسی در سایه دین). - در این مقطع «جمهوریت» و «اسلامیت» هم‌وزن و هم‌سو هستند. - دولت یازدهم، دولتی اسلامی متعهد به اصول اسلامی و اخلاقی و پاسخ‌گوی خواسته‌های شرعی مردم و قوام‌بخش آزادی‌های مردم در چارچوب احکام دینی است.</p>	دولت- ملت
<p>- تأکید بر جمهوریت در کنار اسلامیت از ویژگی‌های این دوره است. این موضوع، متضمن افزایش نقش ملیت و ایرانیت در هویت ملی ایران است. - ارزش‌های ملی و دینی که به‌طور متقابل یکدیگر را قوام می‌بخشند، محور همبستگی ملت ایران هستند. - هیچ تعارضی بین «ایرانیت» و «اسلامیت» وجود ندارد. همواره از تعادل و توازن حمایت می‌کند و ملت ایران را ملتی ایرانی-اسلامی می‌داند.</p>	هویت دولت جمهوری اسلامی
<p>- دولت یازدهم همواره سعی دارد بین مصالح اسلامی و منافع و اهداف سیاست خارجی تعادل و توازن برقرار سازد. - مصالح اسلامی و منافع ملی با هم تعارض ذاتی ندارند و در صورت بروز تعارض باید براساس مصلحت و اهم و مهم و همچنین ضرورت و اضطرار اقدام کرد. - رویکرد به قدرت ملی، نرم‌افزاری و سیاسی است (دولت با در نظر گرفتن شرایط و به‌دور از هرگونه سیاست تهاجمی، براساس اقتضائات و هنجارهای بین‌المللی به‌صورت تدریجی و نرم، چندجانبه‌گرایی و الگوسازی مناسب اهداف را پیگیری می‌کند).</p>	منافع و اهداف ملی
<p>- انقلاب محدود به مرزهای جغرافیایی نیست و برای آن ماهیت و هویت فراملی و اسلامی قائل است. - صدور انقلاب به‌معنای ایجاد یک نظام مردم‌سالار در ایران و ارائه آن به جهانیان به‌عنوان یک دولت سرمشق است. - دولت یازدهم ضمن تعقیب و تأمین منافع و اهداف ملی برای تحقق آرمان‌ها و توجه به اهداف فراملی با توجه به مصلحت و مقدرات و ملحوظات ملی، اولویت‌بندی و پیگیری انجام خواهد داد.</p>	انقلاب اسلامی
<p>- در برابر نظام بین‌الملل رویکردی انتقادی، واقع‌بین، خردگرا و آرمان‌خواه دارد. - به جایگاه ایران در نظام بین‌الملل به‌صورت واقع‌بینانه نگریسته می‌شود، و خواهان نظامی عاری از هرگونه جنگ و سلاح‌های کشتار جمعی بوده و در مقابله با نظام بین‌الملل به‌صورت منطقی و مدبرانه عمل می‌شود.</p>	نظام بین‌الملل

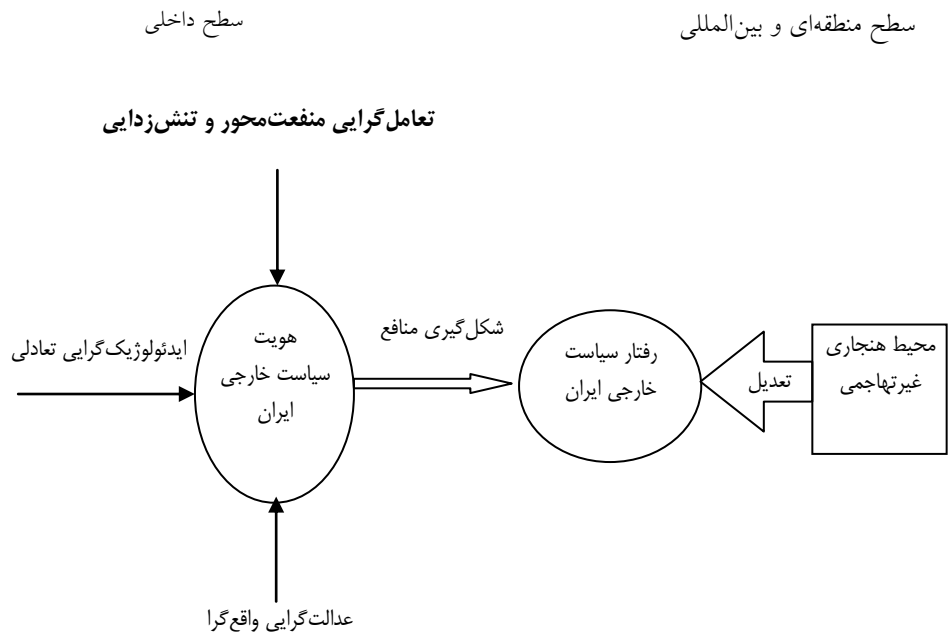
-گفتمان دولت یازدهم، وضع فعلی نظام بین‌الملل را مطلوب نمی‌داند، اما سعی دارد از طریق گفتمان اعتدال برای استقرار نظام عادلانه براساس تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقدام می‌کند.

- با رویکردی اندیشمندانه براساس مصلحت و واقعیت و با استفاده از ابزارهای قانونی همانند توسعه همه‌جانبه روابط با بازیگران بزرگ، چندجانبه‌گرایی و مقابله نرم با هژمون‌گری به اصلاح نظام کنونی مبادرت می‌ورزد.

نمودار شماره (۱). سیاست خارجی ایران در دوره اصولگرا



نمودار شماره (۲). سیاست خارجی ایران در دوره اعتدال



یادداشت‌ها

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه (۹۴-۸۴)» است.

منابع

الف) فارسی

- احمدی‌نژاد، محمود (۱۳۸۶) «مشروح سخنان رئیس‌جمهور در دانشگاه کلمبیا»، قابل‌بازرسی در: <http://www.jamejamonline.ir/archnewstext.aspx?year=1>.
- احمدی‌نژاد، محمود (۱۳۸۷)، «تشریح اصول سیاست خارجی دولت نهم»، قابل‌بازرسی در: <http://donya-e-eqtasad.com>.
- احمدی‌نژاد، محمود (۱۳۹۰)، «رئیس‌جمهوری در کنفرانس بین‌المللی مبارزه با تروریسم: جعبه سیاه هولوکاست و ۱۱ سپتامبر»، قابل‌بازرسی در **خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران** به نشانی: <http://www.irna.ir/fa/News/2000259479>.
- احمدی‌نژاد، محمود (۱۳۹۱) «سخنرانی احمدی‌نژاد در اولین حضور در مجمع عمومی سازمان ملل»، در: <http://www.farsnews.com/printable.php>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶)، «سخنرانی در دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی»، ۸ خرداد، در: <http://dolatyar.ir/print-15.html>.
- دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۸۵)، «کارنامه یکساله دولت نهم»، در: <http://www.dolat.ir>.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، **دانش سیاسی**، شماره ۵، صص ۶۷-۹۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، «چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **مجموعه مقالات نخستین همایش علمی در آمدی بر کارنامه سی ساله نظام جمهوری اسلامی ایران**، جلد ۱، به‌کوشش ابراهیم کلانتری، تهران: دانشگاه تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰)، «فناوری‌های قدرت در جنگ نرم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهارم، شماره اول، شماره مسلسل ۵۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست‌وهشتم، شماره ۱.

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، «مشروح سخنرانی رئیس منتخب در همایش افق رسانه»، در:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/119133>

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، «مشروح سخنرانی رئیس‌جمهور منتخب در همایش افق رسانه»، در:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/119133>

ظریف، محمدجواد (۱۳۹۳)، «زبان و گفتمان منطقه‌ای و بین‌المللی ایران»، ترجمه و یادداشتی از

سیدمحمد کاظم سجادی‌پور، در: <http://www.irdiplomacy.ir>.

کلود، دلماس (۱۳۶۵)، **همزیستی مسالمت‌آمیز**، ترجمه مه‌ری پرهام، تهران: انتشارات آموزش

انقلاب اسلامی.

لاکلاو، ارنست (۱۳۷۷)، «گفتمان»، ترجمه حسینعلی نوذری، **فصلنامه گفتمان**، شماره صفر.

مک دانل، دایان (۱۳۸۰)، **مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان**، ترجمه حسن‌علی نوذری، تهران: فرهنگ

گفتمان.

مورگنتا، هانس. جی (۱۳۷۴)، **سیاست میان ملت‌ها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر

مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب) انگلیسی

Foucault, Michel (1972), **The Archaeology of Knowledge**, London: Penguin, p.25.

Hindess, Barry (1996), **Discourses of Power**, Oxford: Black well, p. 79.

Zarif, Mohammad javad (2014/ May/June), "What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era", **Foreign Affairs**, pp.1-11.